

بررسی روش‌ها و ویژگی‌های پژوهشی ویلفرد مادلونگ در مطالعات شیعی

احمد بهشتی‌مهر*

محمود تقی‌زاده داوری**

چکیده

ویلفرد مادلونگ یکی از برجسته‌ترین و تأثیرگذارترین شیعه‌شناسان دوره معاصر است. آثار وی، برخلاف بسیاری از آثار اسلام‌شناسان و شیعه‌شناسان مغرب‌زمین، در شناخت و توصیف ابعاد گوناگون اسلام بسیار موفق بوده، به طوری که حتی جوامع اسلامی و شیعی نیز آثار وی را می‌پسندند و می‌پذیرند. به نظر می‌رسد سهم بالایی از این موفقیت به دلیل توجهی است که او به نکات روش‌شناسانه دارد. آثار وی در مطالعات شیعی، در مقایسه با آثار دیگر شیعه‌شناسان غربی، نقاط قوت یا ویژگی‌های پژوهشی خاصی دارد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: توجه به منابع اصیل و معتبر اسلامی و شیعی، تفکیک موضوعی و روشی منابع، توجه به فضا و تاریخ حوادث و آموزه‌ها، فهم آموزه‌ها در راستای یک نظام فکری، اشراف نسبتاً کامل به ابعاد گوناگون اسلام، شناخت دقیق دانشمندان و آثار معتبر ایشان، و نیز تسلط به زبان عربی، که مادلونگ با بهره‌گیری از آنها توانسته است توجه مسلمانان و شیعیان را به آثار خود جلب کند و حتی تحسین ایشان را برانگیزد. رعایت کردن نکات فوق باعث شده است او را از جرگه مستشرقان مغرض و جاهل جدا کنند و در میان پژوهش‌گران منصف جای دهند. این مقاله روش‌ها و منابع مورد استفاده و نیز شیوه‌های پژوهشی مادلونگ را، در معرفی تشیع به جوامع غربی، می‌کاود و ضمن مقایسه آن با آثار برخی دیگر از شیعه‌شناسان می‌کوشد تمایز و برتری آثار وی را نشان دهد.

کلیدواژه‌ها: شرق‌شناسی، شیعه‌شناسی، روش‌شناسی، ویلفرد مادلونگ، مستشرقان.

* استادیار گروه شیعه‌شناسی دانشگاه قم
** دانشیار گروه فلسفه و کلام دانشگاه قم

مقدمه

جامعه شیعی به صورت سنتی فقط نسبت به شیعه‌شناسی اهل تسنن، به ویژه وهابیت، حساسیت نشان می‌داده و گهگاه ناظر به فعالیت ایشان نیز اقدامی می‌کرد. اما به نظر می‌رسد امروزه عده‌ای دیگر غیر از اهل تسنن در صدد هستند شیعه را بشناسند و حتی بشناسانند. مستشرقان را می‌توان از همین دسته دانست. حتی به جهاتی می‌توان ادعا کرد رصد کردن و پی‌گیری مطالعات شیعه‌شناسانه مستشرقان اهمیت بیشتری دارد. اولاً، حضور ایشان در محیط‌های تأثیرگذارتری مانند دانشگاه‌ها و جوامع آکادمیک بسیار پررنگ‌تر است و طبیعتاً مخاطبان خاص‌تری را هدف قرار داده است. ثانیاً، نوع مطالعات ایشان اداست کم در مقام ادعا - روشمند و عقلانی است. ثالثاً، به جهت فرهنگی بودن این کارها، از ماندگاری و تأثیرگذاری بسیار بیشتری برخوردار بوده، و به صورت طبیعی از میزان بالاتری در تأیید و تخریب دین و آموزه‌های دینی برخوردار است. از سوی دیگر، در میان شیعه‌شناسان غربی تعدادی از متفکران و پژوهش‌گران منصف نیز حضور دارند که پژوهش‌های بسیار مهم و راه‌گشایی به انجام رسانده‌اند که می‌توان از نتایج آن پژوهش‌ها به خوبی بهره برد. البته برخی روش‌هایی که آنها استفاده کرده‌اند نیز نوین و کارآمد است و برای پژوهش‌گران جوان در عرصه اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی قابلیت درس‌آموزی دارد؛ نیز در زاویه دید و نحوه‌گزینش مسائل و موضوعات پژوهشی آنها نکات جذاب فراوانی وجود دارد که راه‌های جدیدی برای پژوهش‌های شیعه‌شناسانه باز خواهد کرد.

معرفی ویلفرد مادلونگ و آثار او

ویلفرد مادلونگ (Wilferd Madelung) یکی از برجسته‌ترین شیعه‌شناسان غربی است که شناخت سبک کار و نوع پژوهش وی بسیار مهم است. او را در غرب، «شیخ تمام شاخه‌های شیعه‌شناسی» می‌خوانند (Schmidtke, 2001: 17) و حتی امروزه شاگردان او از بزرگ‌ترین و معروف‌ترین شیعه‌شناسان دوره معاصر به شمار می‌آیند.^۱ وی مقام استادی کرسی لادیان^۲ در [زبان] عربی و مطالعات اسلامی دانشگاه آکسفورد را دارد و عضو ارشد مؤسسه مطالعات اسماعیلی لندن است.

او با تألیف یا تصحیح حدود ۲۰۰ کتاب و مقاله در نشریات پژوهشی و دوائرالمعارف‌های متعدد و نیز ۱۶۰ بررسی و نقد و معرفی کتاب در راه شناخت اندیشه و تاریخ اسلام - به خصوص

بررسی روش‌های نوین پژوهشی ویلفرد مادلونگ در مطالعات شیعی

تشیع - در سده‌های میانه گام‌های بلندی برداشته است. از مهم‌ترین کتاب‌های او می‌توان به این موارد اشاره کرد:

1. The Succession to Muhammad: A Study of the Early Caliphate;³
2. Religious Schools and Sects in Medieval Islam;⁴
3. Religious Trends in Early Islamic Iran.⁵

البته عمده آثار ویلفرد مادلونگ مقالات اوست. فهرست مقالات وی در *دائرةالمعارف اسلام* از این قرار است:

قائم آل محمد	المفید	شیعه	محمد بن علی الرضا
عصمت	الکشی	اسماعیلیه	سلیمان بن جریر رقی
المهدی	هشام بن حکم	زیدیه	زید بن علی الحسین
امامت	الکلینی	کیسانیه	میمون بن اسود قداح
ملائکه	الخرزاز	مرجئه	حمزه بن علی بن احمد
اباحه	الکرکی	مطرفیه	شرف الدوله
استادسیس	کاشف الغطاء	المغیریه	منصور الیمان
العشی	الرسی	غریبیه	الاسفراینی
سونبات	یحیی بن عبدالله	خرمیه	المنصور بالله
الکیال	یحیی بن زید	خطابیه	الثائر فی الله
مجلس	حمدان قرمط	مخمسه	التفتازانی
ملحد	الحامدی	ماتریدیه	عبیدالله بن بشیر
حقائق	قرمطی	منصوریه	
الایخضر	ماتریدی	مکرمیه	
	خوجه	صفریه	

و نیز مقاله‌های «امامت» و «تشیع» که در *دائرةالمعارف دین میرچا الیاده* منتشر شده است. مقاله‌های مستقلی نیز درباره شیعیان امامی در کتاب‌ها یا مجلات علمی دیگر منتشر کرده که برخی از آنها از این قرارند: «هاشمیات کمیل و تشیع هاشمی»^۶ و «شیعه در عصر خلفا»^۷. آثار

فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه قم: سال پانزدهم، شماره چهارم، شماره پیاپی ۶۰ (تابستان ۱۳۹۳)

او مجموعه‌ای از پژوهش‌های کلامی، تاریخی، فقهی، فرق و مذاهبی، شخصیت‌نگاری و کتاب‌شناسی است که نشانگر وسعت مطالعه و پژوهش او در حوزه اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی است. در این نوشتار، در پی آن هستیم که نگاهی به روش‌شناسی آثار وی در حوزه تشیع امامی داشته باشیم؛^۱ و نقاط ضعف و قوت او را مشخص کنیم.

۱. استفاده از منابع معتبر و درجه اول

درجه اول بودن یا معتبر بودن منابع، در چند عرصه می‌تواند بررسی شود: گاهی اعتبار منابع به کهن بودن آنها است؛ گاهی به تناسب آنها با محتوا و گاهی به انتسابشان به صاحبان آن نظریه است. به همین جهت، در خصوص هر کدام از این موارد باید توضیحی ارائه شود و شواهدی بیان گردد.

الف. تفکیک میان منابع شیعی و سنی

واقعیت آن است که برای معرفی هر گروهی از گروه‌های مذهبی جهان بهترین و منطقی‌ترین راه آن است که از آثار خود ایشان کمک گرفته شود، یا اساساً کار معرفی ایشان به خود ایشان واگذار گردد. باید پذیرفت شیعیان - به ویژه امامیان - در معرفی خویش به دیگران، حضوری فعال و موفق نداشته‌اند و این باعث شده تا خود غربی‌ها در این عرصه فعال شوند. اساساً در اغلب فضاهای غربی، اسلام یعنی اسلام سنی. شناخت شیعه اگر هم در اندازه‌های بسیار محدود اتفاق افتاده باشد مربوط به چند دهه اخیر، به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران است. بنابراین، اگر در غرب، اسلام سنی، نماینده رسمی و شناخته‌شده اسلام باشد باید به صورت طبیعی منابع مورد استفاده نیز منابع اهل تسنن باشد و حضوری از منابع شیعی - مخصوصاً منابع امامی - در آنجا احساس نشود. پس به صورت طبیعی، مستشرقان نیز از منابع عام اسلامی استفاده کرده‌اند که بسیاری از آنها نگاهی نادرست - یا دست‌کم، ناقص - به تشیع و شیعیان دارند.

سید حسین نصر در مقدمه کتاب شیعه در اسلام، این واقعیت را چنین بازگو می‌کند:

تقریباً تمام منابع اروپاییان در تحقیقاتی که درباره اسلام انجام می‌گیرد از منابع اهل تسنن است و هرگاه از قرآن، حدیث، سیره نبوی، فقه و کلام سخن به میان می‌آید، معمولاً مقصود همان نظر اهل سنت و جماعت است و حتی این نظر نیز

بررسی روش باویرگنی‌های پژوهشی ویلفرد مادلونگ در مطالعات شیعی

اغلب تحریف یافته و مغرضانه بیان شده است ... مغرب‌زمین، هیچ‌گاه قبل از دوران جدید با عالم تشیع و مخصوصاً ایران شیعی، تماسی نداشت ... تشیع هیچ‌گاه چنان‌که واقعاً در تاریخ اسلام وجود داشته و هنوز نیز مذهب ده‌ها میلیون فرد ایرانی و عرب، پاکستانی و هندی و غیره را تشکیل می‌دهد، خارج از جهان پیروان این مذهب شناخته نشده است و در مغرب‌زمین همان نظر مستشرقان قرن گذشته که «تشیع» را یک بدعت! در اسلام می‌دانستند در اکثر محافل پذیرفته شده و حتی برخی، تشیع را اختراع عده‌ای از دشمنان اسلام در قرون بعدی می‌دانند (طباطبایی، ۱۳۵۴: ۱-۳).

تعبیر ایشان درباره آثار مربوط به شیعیان این است که این آثار، محدود به چند کتاب و رساله می‌شود که اکثراً نتیجه تراوش فکر چند مبلغ مسیحی است که عمر خود را صرف از بین بردن تشیع و رد آن کرده‌اند (همان: ۶).

ویلیام چیتیک (William Chittick) نیز از این واقعیت چنین گزارش می‌کند:

وقتی ناظران بیرونی به اسلام نگاه می‌کنند طبیعتاً اولین چیزی را که مشاهده می‌کنند حوادث، گزارش‌های نوشته‌شده، ارتباطات اجتماعی و اموری از این قبیل است. نه دیدن درون قلب مردم و مشاهده کردن ارتباطات شخصی آنها با خدا کار آسانی است و نه بسیاری از مردم به انجام این کار علاقه دارند. بیننده بیرونی از اسلام تنها دیوارهای زمخت و تیره می‌بیند و به پشت این دیوار دسترسی ندارد. اما اگر داخل این شهر شود حیاطی دل‌پسند و فرح‌انگیز و باغی سرشار از گل‌های خوش‌بو، درختان میوه و چشمه‌های جوشان مشاهده خواهد کرد (Chittick, 1987: xliii).

اما با ملاحظه آثار ویلفرد مادلونگ به این نکته می‌توان پی برد که وی از این دسته مستشرقان نیست و در مطالعات شیعه‌شناسانه خود در حدی گسترده از منابع معتبر شیعی بهره برده است. برای نمونه، در کتاب *جانشینی حضرت محمد (ص)* در کنار مجموعه منابع اهل تسنن و نیز منابع پژوهشی متأخر، از منابع مهم شیعی، یا آثاری که گرایش‌های ضد شیعی ندارند نیز استفاده کرده است؛ *وقعة صفین*، *رجال نجاشی*، *الارشاد* شیخ مفید، *الفصول المختاره* اثر سید مرتضی علم‌الهدی، *کتاب السقیفه* از سلیم بن قیس، *تاریخ یعقوبی*، *مروج الذهب*، *بحار الانوار* و شرح *الأخبار* قاضی نعمان^۹ و *مقاتل الطالبیین* ابوالفرج اصفهانی نمونه‌هایی از این آثار است. وی

فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه قم: سال پانزدهم، شماره چهارم، شماره پیاپی ۶۰ (تابستان ۱۳۹۳)

همچنین در کتاب مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه، از آثار نویسندگان ذیل بهره برده است: شش کتاب از شیخ صدوق، دو کتاب از شیخ مفید، شش کتاب از سید مرتضی، پنج کتاب از شیخ طوسی، چهار کتاب از قاضی نعمان، سه کتاب از کشی، سه کتاب از محقق حلی، دو کتاب از شیخ حر عاملی و آثار دانشمندان برجسته شیعی مانند کلینی، نجاشی، نوبختی، سعد بن عبدالله اشعری، یعقوبی، قاضی نورالله شوشتری، علامه مجلسی، محسن امین و دیگران.

ب. تفکیک منابع امامی از منابع فرقه‌های دیگر شیعی

اگر مستشرقان نتوانسته‌اند بین منابع شیعی و سنی تفکیک قائل شوند، به صورت طبیعی، نمی‌توانستند منابع امامی، اسماعیلی و زیدی را نیز از یکدیگر جدا کنند. بنابراین، چنین احتمالی وجود دارد که گاهی با استناد به یک متن اسماعیلی یا متن زیدی نکته‌ای را به تمام شیعیان یا به شیعیان امامی انتساب دهند.

ایگناز گلدتسیهر (Ignaz Goldziher) در بخش پنجم کتاب معروف خود با عنوان *درآمدی بر فرقه و کلام اسلامی*^{۱۰} به معرفی فرقه‌های اسلامی پرداخته است. در معرفی تشیع، ابتدا دیدگاه شیعیان را درباره امامت بیان می‌کند و با اشاره به ویژگی‌های امام، مانند وصی بودن، انتخاب با نص، عصمت، از خاندان پیامبر بودن و ضرورت وجود امام بحث را ادامه می‌دهد. گرچه او در چند بندی که شیعه را معرفی کرده به نکات درستی اشاره کرده اما هیچ ارجاعی به منابع شیعی و حتی منابع عام اسلامی ندارد (Goldziher, 1981: 174-178).

وی در جای دیگری، درباره اعتقاد شیعیان به امام مهدی (عج) چنین می‌گوید: «شیعیان اعتقاد دارند به امام مهدی (عج) جراحت و اذیتی نمی‌رسد و گاهی این صفت را از اوصاف پیامبر به شمار می‌آورند. گلدتسیهر کتاب *طبقات ابن سعد* را به عنوان سند این اعتقاد معرفی می‌کند (Ibid.: 44).

در خصوص فرقه‌های شیعی معتقد است: «پس از امام حسن عسکری (ع) شیعیان به ۱۴ گروه تقسیم شده‌اند و هر گروهی از ایشان سلسله‌ای از افراد متعلق به خاندان اهل‌بیت را به عنوان امام خود برگزیدند» (Ibid.: 192). وی برای این ادعای خود منبعی ذکر نمی‌کند.

۱. جرج آنواتی (Georges C. Anawati) (۱۹۰۵-۱۹۹۴) نویسنده مقاله «عصمت» در نسخه اول *دائرةالمعارف دین*^{۱۱} است. وی در انتهای مقاله‌اش منابعی را معرفی کرده

بررسی روش‌های پژوهشی ویلفرد مادلونگ در مطالعات شیعی

که همگی آنها از آثار مستشرقان است و حتی یک کتاب اسلامی - و طبیعتاً شیعی - نیز در میان فهرست منابع او دیده نمی‌شود (Anawati, 1995: 465).

۲. جیمز وینستون موریس (James Winston Morris) در همان کتاب، مقاله «تقیه» را تألیف کرده و از مجموعه منابعی که به کار برده، فقط به یک متن معاصر اسلامی، از آثار عظیم نانجی (Azim Nanji) استناد کرده است (Morris, 1995: Vol. 14, P. 337).

۳. لیندا کلارک (Lynda Clarke) نیز در ویراست دوم *دائرةالمعارف دین*، مقاله «عصمت» را نوشته است. در حالی که هفده منبع را در فهرست منابع خود ذکر کرده، فقط نه منبع اسلامی و تنها چهار منبع شیعی را نام برده که تنها منبع کلامی آنها *تنزیه الأنبياء* اثر سید مرتضی است (Clarke, 2005: Vol. 7, P. 4726).

جداسازی منابع امامی از منابع زیدی و اسماعیلی - و بالطبع منابع شیعی از سنی - در نوشته‌های ویلفرد مادلونگ به خوبی قابل مشاهده است. وی به دلیل آشنایی بسیار خوبی که با فرقه‌ها و گروه‌های اسلامی دارد با دقت تمام منابع شیعی را از سنی و همین‌طور منابع امامی را از منابع زیدی و اسماعیلی تشخیص داده و از هر کدام در جای مناسب خود استفاده می‌کند. او در اغلب نوشته‌های خود، وقتی می‌خواهد درباره شیعیان اثناعشری سخن بگوید از عناوینی چون «امامیه»، «منابع امامی»، «عقیده امامیان»، «دانشمندان امامیه»، «متکلمان امامی»، «اثناعشری» و مواردی از این دست استفاده می‌کند و حتی واژه عام «شیعه» را به کار نمی‌برد (Madelung, 1997(d), vol. 9, P. 423, 1995, vol. 3, P. 1166, 1997(b), vol. 4, P. 182, 1997(c), vol. 4, P. 711, 1991, vol. 6, P. 917, 1989, P. 6 & 26).

وی در آثار خویش، وقتی درباره شیعیان سخن می‌گوید حتی عناوین و سرفصل‌های نوشته‌هایش را بر اساس فرقه‌های داخلی شیعی تنظیم می‌کند. برای نمونه، در مقاله امامت، دو دیدگاه شیعی و سنی را بررسی کرده، ذیل دیدگاه شیعی به سه شاخه زیدی، امامی، اسماعیلی و سپس به خوارج اشاره کرده است. در فهرست منابع نیز این دقت را به خرج داده، منابعی را که استفاده کرده با این دسته‌بندی معرفی کرده است: اعتقادات حنبلی، اعتقادات حنفی، معتزله، زیدیه، امامیه، اسماعیلیه، خوارج، عقاید باطنی نزاری، عقاید باطنی امامیه، اسماعیلیه طیبی. در بخش منابع امامی نیز از آثار کلینی، سید مرتضی، خواجه نصیر و فاضل مقداد نام می‌برد.

فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه قم: سال پانزدهم، شماره چهارم، شماره پیاپی ۶۰ (تابستان ۱۳۹۳)

نکته دیگری که نشان از توجه مدلونگ به منابع معتبر دارد آثاری است که او در خصوص منابع فقهی و منابع کلامی تألیف کرده است. «منابع فقه اسماعیلی»^{۱۲} و «ملاحظات پیرامون کتاب‌شناسی فرق امامی»^{۱۳} مقاله‌هایی از او هستند که در خصوص منابع فقهی و کلامی نوشته شده‌اند.

مجموعه این عوامل باعث می‌شود محقق بتواند درباره اعتبار یا بی‌اعتباری منابعی که نویسنده استفاده کرده، اظهار نظر کند. به نظر می‌رسد با این شواهد بتوان ادعا کرد که در میان اسلام‌پژوهان و شیعه‌پژوهان غربی، ویلفرد مدلونگ از چهره‌هایی است که به لحاظ روشی توانسته آثار خویش را با روش‌های علمی و مبتنی بر منابع معتبر و قابل قبول ارائه دهد. مترجمان آثار او نیز به این نکته اشاره می‌کنند که وی از منابع مهم و دست اول استفاده کرده است (مدلونگ، ۱۳۸۷: ۶)؛ استناد به منابع عمده شیعه، خاصه استناد به تحقیقات پژوهش‌گران معاصر شیعی و استشهاد به آرای آنها در مسئله جانشینی پیامبر از جمله امتیازهای اوست (همو، ۱۳۸۸: ۱۴).

۲. تفکیک منابع به لحاظ موضوعی (کلامی، تفسیری، حدیثی، و ...)

در ارجاع به منابع، دست‌کم باید به دو نکته بسیار مهم توجه کرد: اعتبار سند و تناسب سند با متن. اعتبار سند یعنی خود منبع باید معتبر و برای جامعه علمی شناخته‌شده باشد. اما در تناسب منبع با متن، به اعتبار منبع در یک حوزه خاص توجه می‌شود؛ مثلاً کتاب‌های *الکافی*، *تهذیب الاحکام*، *اوائل المقالات*، *الارشاد* و *تفسیر عیاشی* را می‌توان از منابع معتبر شیعی به شمار آورد، اما هر کدام از این منابع در یک حوزه خاص قابلیت ارجاع‌دهی دارند؛ زیرا این منابع به ترتیب در حدیث، فقه، کلام، تاریخ و تفسیر اعتبار دارند.

با این توضیح مشخص می‌شود که اگر متن نوشته‌شده، ماهیت کلامی دارد باید به منابع کلامی و اگر ماهیتی فقهی دارد به منابع فقهی ارجاع داده شود و همینطور در حوزه‌های دیگر. نکته دوم: منابع کلامی خود بر دو دسته‌اند: منابع خام و منابع فرآوری‌شده؛ منابع خام، اصلی‌ترین متون دینی مانند قرآن و مصادر حدیثی هستند که بدون هیچ برداشت یا تفسیری در اختیار ما قرار دارند. اما منابع فرآوری‌شده، منابعی هستند که برداشت‌ها و تفسیرهای خاصی را با استفاده از منابع خام و نیز با استفاده از شیوه‌های خاص بیان کرده‌اند. در واقع، متون کلامی قابلیت تفسیرهای گوناگون را دارند و برای گزارش دیدگاه کلامی یک فرقه خاص باید به

بررسی روش با ویرگنی های پژوهشی و نیز فردا و لوگنک در مطالعات شیعی

برداشت آن فرقه از آیات و روایات استناد کرد، نه به خود آیه و روایت؛ زیرا ممکن است فهم آن فرقه از آیات و روایات مورد استناد متفاوت باشد.

برای نمونه، آیه های «ولایت»، «مودت» و «امامت» در قرآن و نیز احادیث غدیر، ائمه اثنا عشر و منزلت همگی در منابع حدیثی معتبر شیعی و سنی وجود دارند، اما روش شیعیان و اهل تسنن در استفاده از این آیات و احادیث و در نتیجه فهم ایشان از آیات و روایات مذکور با یکدیگر تفاوت جدی دارد. بنابراین، در استناد یک دیدگاه کلامی به یک فرقه، مانند شیعه امامی، باید به منابعی ارجاع داد که خود شیعیان آنها را تهیه کرده اند و برداشت های خودشان را در آن ثبت کرده اند. به ویژه در بخش کلام نقلی باید به این نکته توجه بیشتری داشت. با توجه به دو نکته فوق به عبارت های زیر دقت فرمایید.

■ موجان مومن، که از نویسندگان بهایی است و کتاب او با عنوان *درآمدی بر اسلام شیعی*^{۱۴} از معروف ترین کتاب هایی است که در معرفی شیعیان نوشته شده و در دانشگاه های غربی و حتی کرسی های شیعه شناسی جهان تدریس می شود، در تعریف اصطلاحی «معصوم» چنین می گوید: «معصوم یعنی شخص بدون گناه؛ شخصی که خداوند او را از انجام کارهای ممنوعه، باز می دارد». مستند او برای این مطلب، حدیثی است از کتاب *بحار الانوار* علامه مجلسی، به نقل از کرمانی، کتاب *المبین*، ج ۱، ص ۲۶۵ (Momen, 1985: 334 & 155).

در حالی که اولاً، مطلب کلامی را باید به یک منبع کلامی معتبر از آثار متکلمان همان فرقه ارجاع داد، نه به یک منبع حدیثی؛ و ثانیاً، اگر هم قرار است به منبع حدیثی شناخته شده ای چون *بحار الانوار* استناد کنیم باید مستقیماً به این کتاب ارجاع دهیم؛ زیرا این کتاب کاملاً در دسترس است. به علاوه، در استناد به منابع حدیثی هم باید به منابع کهن و اصیل ارجاع داد نه به منابع متأخری چون *بحار الانوار*؛ مثلاً وقتی این روایت را می توان به منابع درجه اول حدیثی شیعه، مانند *عیون اخبار الرضا (ع)*، ج ۱، ص ۶۲؛ *کفایة الاثر*، ص ۱۹، *کمال الدین*، ج ۱، ص ۲۸۰ ارجاع داد، به هیچ وجه سزاوار نیست به کتاب *بحار الانوار*، آن هم به نقل از کتاب *المبین* محمد کریم کرمانی (م. ۱۲۸۸ ه. ق.) که از آثار شیخیه به شمار می رود ارجاع داد.

همان طور که می دانیم، شیعیان امامی بیشتر مباحث مربوط به امامت - از جمله ضرورت وجود امام و شرایط امام - را از مباحث اصولی و در نتیجه عقلی می دانند و اگر بخواهند عصمت را برای

فصلنامه علمی- پژوهشی دانشگاه قم: سال پانزدهم، شماره چهارم، شماره پیاپی ۶۰ (تابستان ۱۳۹۳)

امام شرط کنند باید دلیلی عقلی ارائه کنند. پس اولاً در تعریف عصمت باید به همان تعریفی که شیعیان از عصمت ارائه می‌کنند اشاره کرد و آن را به یک یا چند متن کلامی معتبر امامی ارجاع داد؛ و ثانیاً دلیل پذیرش عصمت به عنوان شرط امامت را به یک دلیل عقلی موجود در منابع امامیه مستند کرد. موجان مومن در هیچ کدام از این موارد حتی به یک کتاب کلامی شیعیان امامی هم استناد نکرده است.

■ محمّد علی امیرمعزی در مقدمه کتاب وحی و تحریف^{۱۵} می‌گوید:

«وی (=شیخ صدوق) احادیث بسیاری را که به تحریف، محو، تبدیل/تغییر قرآن اشاره دارند نادیده می‌گیرد» (Ibid.: 27).

در واقع، او روایاتی را که سیاری و دیگر محدّثان شیعی نقل می‌کنند حمل بر تحریف کرده، در حالی که خود سیاری هرگز چنین چیزی را بیان نکرده است. می‌دانیم بسیاری از عالمان شیعه که تصریح کرده‌اند قرآن تحریف نشده، روایات مورد نظر امیرمعزی را نقل کرده‌اند - مانند شیخ صدوق که خود امیرمعزی به او اشاره می‌کند - ولی تحریف قرآن را از آن استفاده نکرده‌اند. این بدان معناست که فهم متکلمان برجسته شیعه از این روایات با فهم امیرمعزی متفاوت است، اما امیرمعزی به فهم خود استناد کرده، نه به فهم متکلمان برجسته شیعی، و حتی عالمان برجسته شیعی مانند شیخ صدوق، شیخ مفید، سیدمرتضی و شیخ طوسی را تخطئه می‌کند.

اساساً در استناد یک دیدگاه کلامی به یک فرقه خاص نباید فقط با مشاهده یک آیه یا یک روایت قضاوت کرد؛ بلکه باید مجموعه تعالیم ایشان را در کنار همدیگر ملاحظه کرد. برای نمونه، در خصوص قرآن معروف است که گفته می‌شود: قرآن ناسخ و منسوخ، مجمل و مبین، عام و خاص و مطلق و مقید دارد و برای فهم قرآن و استناد یک نظریه به آن باید از مجموعه آیات قرآن، آن هم با رعایت قوانین و اصولی که در علم اصول و مقدمات تفسیر گفته می‌شود یک نظریه را استنباط کرد. همین‌طور است دیدگاه‌های کلامی؛ زیرا در علم کلام باید بتوان دیدگاه‌های شیعیان را که عمدتاً عقل‌گرا هستند در یک نظام اعتقادی ارائه کرد و اگر با نگاهی جزءنگر به تک‌تک تعالیم ایشان نگاه شود و بر اساس آن یک نظریه ارائه شود چه بسیار نظریه‌هایی اعلام خواهد شد که خودشان با یکدیگر ناسازگارند. بنابراین، اگر درباره نبوت دیدگاهی ارائه می‌شود نباید این دیدگاه با آنچه در باب توحید یا امامت بیان شده ناسازگار باشد.

بررسی روش باوینگی های پژوهشی و مینرد ما و لوگنگ در مطالعات شیعی

اما آیا مادلونگ، در آثار خود به این نکات توجه کرده است؟ برای آنکه بتوان در این خصوص قضاوت کرد بهتر است همین دو مورد را که ذکر کردیم در آثار او پی بگیریم:

۱. مادلونگ در مقاله «عصمت» به دو دسته از منابع استناد کرده است: منابع اسلامی و منابع غربی؛ منابع اسلامی مورد استفاده وی از این قرارند:

نام اثر	مؤلف	نوع اثر
مقالات الاسلامیین	اشعری	کلام اشعری
اوائل المقالات - تصحیح الاعتقاد	مفید	کلام شیعه امامی
تنزیه الانبیاء	شریف مرتضی	کلام شیعه امامی
باب حادی عشر	علامه حلی	کلام شیعه امامی
بحار الانوار	مجلسی	حدیث
الانتصار	خیاط	کلام معتزلی
المعنی	قاضی عبدالجبار	کلام معتزلی
المواقف	ایچی	کلام اشعری
الاربعین فی اصول الدین	فخر رازی	کلام اشعری
الارشاد	جوینی	کلام اشعری
اصول الدین	بغدادی	کلام اشعری
اصول الدین	بزدوی	کلام ماتریدی
الشفاء بتعریف حقوق المصطفی	قاضی عیاض مالکی	نبوت
الشرح و الابانة على اصول السنة و الديانة	ابن بطه	کلام اهل حدیث
الفرق بین الفرق	بغدادی	فرق و مذاهب
الفصل فی الملل و النحل	ابن حزم	فرق و مذاهب
الملل والنحل	شهرستانی	فرق و مذاهب
التعرف لمذهب اهل التصوف	کلابادی	تصوف
طبقات الشافعية الكبرى	سبکی	طبقات نگاری

چنان که می‌بینیم می‌توان ماهیت کلامی منابع را به خوبی تشخیص داد؛ یعنی او برای معرفی و توضیح آموزه «عصمت» که یک آموزه کلامی است دقیقاً به منابع کلامی مراجعه کرده، خوانندگان را نیز به آنها ارجاع داده است. با دقت بیشتر معلوم می‌شود منابعی که او استفاده کرده کاملاً درجه یک هستند؛ برای نمونه، از منابع کلامی شیعیان امامی به آثار شیخ مفید، سید مرتضی و علامه حلی ارجاع داده که از معتبرترین منابع کلام امامیه هستند. به خصوص از میان آثار شیخ مفید به کتاب *اوائل المقالات و تصحیح الاعتقاد* ارجاع داده، که شاید اگر از یک عالم برجسته امامی بخواهند دو منبع مهم کلامی از آثار شیخ مفید را ذکر کند او نیز همین دو کتاب را نام ببرد. نیز، از آثار سید مرتضی دقیقاً به همان کتابی ارجاع داده که بیشترین تناسب را با بحث عصمت دارد.

نکته دیگر آن است که او تقریباً از تمام فرقه‌های اسلامی منبعی را ذکر کرده و اتفاقاً منابع تمام فرقه‌های مختلف نیز از منابع درجه یک ایشان به شمار می‌روند: از معتزله به *الاتصار* خیاط و *المعنی* قاضی عبدالجبار، از اشاعره به *المواقف* قاضی عضالدین ایجی، *اربعین* فخر رازی و *الارشاد* جوینی، و از ماتریدی به *اصول الدین بزدوی* ارجاع داده است.

۳. استفاده از منابع پرشمار

اسلام‌پژوهان معروف و اساساً مستشرقان در نگارش آثار خود دست کم دو گونه هستند: گروهی که با استفاده فراوان از منابع پژوهشی، دست به تألیف می‌زنند و اصطلاحاً در بعد تبثی پژوهش، توانمند هستند و پاورقی‌ها و پی‌نوشت‌های فراوانی در تحقیقات ایشان وجود دارد. گروهی نیز که با حداقل منابع و ارجاع‌دهی، کتاب و مقاله تألیف می‌کنند.

۱. موجان مومن در بخش دوازدهم کتاب خود به مکاتب درونی شیعه اثناعشری پرداخته، در ۱۳ صفحه مکاتب اخباری، اصولی، شیخی، بابی و بهایی را معرفی کرده است (Momen, 1985: 342 & 220-232). او برای این ۱۳ صفحه، فقط هفت ارجاع به این شرح دارد: یک بار به قرآن و دو ارجاع توضیحی و چهار استناد به منابع؛ این چهار منبع نیز از این قراراند: *روضات الجنات* خوانساری، *هدایة الطالبین* کرمانی، مقاله‌ای از عباس امانت و دو مقاله از جوزف الیاش (Joseph Eliash) و لئونارد بیندر (Leonard Binder).

۲. ویلیام مونتگمری وات در کتاب «*اسلام؛ تاریخچه‌ای مختصر*»^{۱۶} دو صفحه را به معرفی کلام شیعی اختصاص داده، در این دو صفحه، فرقه‌های زیدی، اسماعیلی و امامیه را معرفی کرده

بررسی روش مادولونگ‌های پژوهشی ویلفرد مادولونگ در مطالعات شیعی

است. وی نه تنها برای این دو صفحه، بلکه اساساً در کل کتاب خود از هیچ منبع کلامی استفاده نکرده است (Watt, 1999: 125-126 & 152-153). در فهرست منابع این کتاب، منابع زیر به عنوان منابع کلام اسلامی ثبت شده‌اند: *اخبار حلاج* اثر لویی ماسینیون و چهار کتاب از خود نویسنده با این عناوین: *تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطا، فلسفه و کلام اسلامی، عقاید اسلامی و عقیده و عمل غزالی*.

اولاً، هیچ کدام از این منابع، مربوط به خود مسلمانان یا شیعیان نیستند؛ و ثانیاً، او با چند منبع محدود غیر کلامی کوشیده است چندین فرقه را معرفی کند.

همو در فصل هشتم کتاب دیگرش، با عنوان «اسلام چیست؟»^{۱۷} در ۲۱ صفحه، به مباحث عقلی اسلام پرداخته، در پایان کتاب، در بخش فهرست منابع، برای این فصل فقط یک ارجاع توضیحی ذکر کرده است (Ibid: 149-169 & 238).

دیوید پینالت (David Pinault) در بخش اول کتابی که درباره شیعیان نوشته، تلاش کرده در هشت صفحه شیعیان را معرفی کند. او برای این هشت صفحه، فقط چهار ارجاع ذکر کرده که سه مورد از آنها توضیحات است و یک مورد نیز به کتاب *ملل و نحل* شهرستانی ارجاع داده شده است (Pinault, 1992: 183).

گرچه ویلفرد مادولونگ نیز در نگارش مقاله‌های *دائرةالمعارف* از منابع فراوانی استفاده نکرده است، اما در مقایسه با دیگر نویسندگان مقاله‌های *دائرةالمعارف*، به صورت نسبی، از منابع بیشتری بهره برده است؛ البته این فقط شباهت در کمیت است ولی از جهت کیفیت منابع، می‌توان گفت: آثار او با آثار دیگران تفاوت جدی دارد.

اما در نگارش کتاب‌ها، استفاده وی از منابع متکثر و کمیت بالای منابع، چشم‌گیر است. در بخش کتاب‌شناسی کتاب «مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه»، ۳۷۱ کتاب فهرست شده که ۲۲۹ عنوان آن از منابع اسلامی است. همین‌طور در نگارش کتاب *جانشینی حضرت محمد (ص)* نیز از حدود ۱۶۰ منبع استفاده شده است.

۴. شناخت دقیق عالمان و متکلمان برجسته شیعی

یکی از راه‌های شناخت منابع کهن، معتبر و درجه اول آن است که مؤلفان و عالمان درجه اول هر مذهبی به خوبی شناخته شود. آثار ویلفرد مادولونگ به دلیل توانمندی او در این راه، به غنای قابل قبولی رسیده‌اند. مادولونگ یکی از پژوهش‌گرانی است که بزرگ‌ترین عالمان شیعه امامی را

فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه قم: سال پانزدهم، شماره چهارم، شماره پیاپی ۶۰ (تابستان ۱۳۹۳)

به دنیای غرب معرفی کرده است. فعالیت‌های پژوهشی او و شاگردانش در خصوص آثار و شخصیت‌های طراز اول شیعیان امامی در کنار مقاله‌های او در معرفی هشام بن حکم، شیخ کلینی، شیخ مفید، کَشّی، محقق کرکی، کاشف‌الغطاء و همین‌طور مقاله‌های او در خصوص آثار بزرگان شیعه مانند سید مرتضی، ابن ابی‌جمهور احسائی نشان از توانمندی او در عرصه شناسایی عالمان و منابع اصیل و معتبر مذهب امامیه دارد.

با مراجعه‌ای اجمالی به آثار ویلفرد مادلونگ تعبیری مشاهده می‌شود که به خوبی از شناخت مادلونگ از شخصیت‌ها و آثار برجسته ایشان در کلام امامی حکایت دارد. به برخی از عبارات او توجه کنید:

«برخی از برجسته‌ترین نمایندگان شیعه امامی در زمان امام صادق (ع)، از این قرارند: محمد بن نعمان (مؤمن الطاق)، زرارة بن اعین، هشام بن سالم جوالیقی، هشام بن حکم» (مادلونگ، ۱۳۸۷: ۱۷۴). «هشام بن حکم برجسته‌ترین نماینده کلام امامیه در زمان امام صادق و امام کاظم است» (Madelung, 1986(b): vol. 3, P. 496). «شیخ مفید متکلم و سخن‌گوی برجسته امامیه است» (Madelung, 1993(a): vol. 7, P. 312). «فضل بن شاذان دانشمند شیعی» (Madelung, 1986(a): vol. 5, P. 363). «شیخ مفید از علمای طراز اول امامیه» (Madelung, 1993(a): vol. 7, P. 312). «استاد علمای طراز اول امامیه» (Ibid.) و «مرجع دنیای تشیع» (Ibid.). «شیخ طوسی، شیخ الطائفه است» (Madelung, 1997(a): vol. 4, P. 711). «کَشّی محدث امامی و کتاب او اثری اصلی در رجال شیعه است» (Ibid.). «عیاشی عالم برجسته امامی و مروج امامیه در ماوراءالنهر» (Ibid.). «نجاشی کلینی را عالم شیعه و شیخ امامیه توصیف می‌کند» (Ibid.: 363). «محقق کرکی از عالمان امامی» (Ibid.: 610). «برخی از علمای طراز اول شیعه که از شاگردان شیخ مفید هستند: شریف رضی، شریف مرتضی، شیخ طوسی، نجاشی، ابوالفتح کراچکی، سالار دیلمی، ابوالصّلاح حلبی» (Madelung, 1993(a): vol. 7, P. 313). «خواجه نصیرالدین و علامه حلی نمایندگان آخرین مکتب تفکر اصیل در کلام امامیه به شمار می‌آیند» (مادلونگ، ۱۳۸۷: ۱۶۹).

درباره برخی از منابع شیعی نیز چنین می‌گوید:

«کافی کتاب مهم شیعی است» (Madelung, 1386(a): vol. 5, P. 363).
«چهار اثر اصلی رجالی شیعه عبارت‌اند از: رجال کشی، رجال و فهرست طوسی،
رجال نجاشی» (Ibid.). «تهذیب شیخ طوسی از منابع معتبر حدیثی»
(Madelung, 1993(a): vol. 7, P. 313). «منابع علم قطعی عبارت‌اند از:
قرآن، عقل، خبر متواتر، اجماع مسلمانان یا اجماع امامیه» (Ibid.).

۵. نگاه جامع و نظام‌مند به تشیع

مستشرقانی که در حوزه عقاید شیعی کار کرده‌اند دست کم دو دسته‌اند: برخی صرفاً به یک جهت یا یک موضوع از مجموعه موضوعات مربوط به شیعیان پرداخته‌اند و برخی دیگر تقریباً در تمام عرصه‌های شیعی وارد شده‌اند. از دسته اول این مؤلفان می‌توان به عنوان نمونه به افراد ذیل اشاره کرد:

۱. هانری کربن (۱۹۰۳-۱۹۷۸):^{۱۸} او بیشترین توجه خود را بر بعد عقلانی و عرفانی شیعه معطوف کرده است. در آثار او می‌توان به مجموعه‌ای از کتاب‌ها و مقالاتی دست یافت که با موضوع تاریخ فلسفه اسلامی و ایرانی، زندگی عرفانی و صوفیانه، آموزه‌های حکمی، شئون معنوی و باطنی پیامبران و امامان نگاشته شده‌اند؛ مثلاً در کتاب *الشیعه الاثنی عشریه*، در بخش معرفی شیعه، به خوبی می‌توان این نکته را مشاهده کرد (کوریان، ۱۴۱۴: ۵۶-۱۴۵).
۲. لویی ماسینیون (Louis Massignon) (۱۸۸۳-۱۹۶۳): او نیز مانند هانری کربن مجذوب جنبه‌های عرفانی و معنوی اسلام شده است. آثار او در خصوص نیایش‌های حضرت ابراهیم (ع)، سلمان فارسی، حلاج و همین‌طور حضورش در میان مجموعه مؤلفان مقاله «تصوف» *دائرةالمعارف اسلام*، به خوبی نشان از این رویکرد او دارد.
۳. یولیوس ولهاوزن (۱۸۴۴-۱۹۱۸): تمرکز ولهاوزن در آثار اسلامی خود بر تاریخ سیاسی صدر اسلام است. یکی از مشهورترین آثار او کتابی است که با عنوان *تاریخ سیاسی صدر اسلام (شیعه و خوارج)* در ایران به فارسی ترجمه و منتشر شده است. در واقع، وی در دو بخش جداگانه این کتاب تلاش کرده خوارج و شیعیان را معرفی کند. او در بخش معرفی شیعه، نظریه معروف خود را در خصوص پیدایش شیعیان به عنوان یک گروه سیاسی ارائه می‌دهد (ولهاوزن، ۱۳۷۵: ۱۳۷-۲۱۴).

فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه قم: سال پانزدهم، شماره چهارم، شماره پیاپی ۶۰ (تابستان ۱۳۹۳)

اما از دسته دوم به یقین نمی‌توان حتی به تعداد انگشتان یک دست، افرادی را نام برد که آثارشان در حوزه شیعه‌شناسی، از جامعیتی نسبی برخوردار باشد. شاید ویلفرد مادلونگ نمونه انحصاری این گروه باشد. با نگاهی گذرا به آثار ویلفرد مادلونگ می‌توان اذعان کرد که آثار او - به صورت نسبی - بخش گسترده‌ای از اعتقادات، تاریخ و زندگی شیعیان را پوشش داده است. وی در حوزه تاریخ اسلام (تاریخ پیامبر و تاریخ امامان شیعه)، عقاید و آموزه‌های شیعی، فرقه‌ها و گروه‌های شیعی، شخصیت‌ها، آثار و منابع شیعی، فقه و فلسفه آثار مهمی ارائه کرده است. بنابراین، به خوبی می‌توان متوجه شد که او با رویکردی جامع‌نگر به تشیع و شیعیان نگاه می‌کند و کمتر پیش آمده است که با توجه به یک عنصر جزئی، قضاوتی کلی کند. بنابراین، تصویری که از تشیع ارائه می‌کند نسبتاً تصویری است دقیق.

برای نمونه، مادلونگ به تک‌نمونه‌هایی از روایات یا آیات اشاره نمی‌کند؛ بلکه به دیدگاه متکلمان می‌پردازد. او به خوبی می‌داند که در بیان منظومه اعتقادی و نظام فکری نباید چنین کرد. در حالی که بسیاری از مستشرقان با دیدن یک روایت کوشیده‌اند مطلب نادرستی را به شیعیان نسبت دهند. نمونه خوبی برای این ماجرا بیان دیدگاه متکلمان امامی در باب تحریف نشدن قرآن است؛ در حالی که اگر مادلونگ می‌خواست، به خوبی می‌توانست مجموعه‌ای از روایات موجود در جوامع حدیثی شیعه را فهرست کرده، از آنها تحریف قرآن را نتیجه بگیرد. اما او به فهم شیعیان از این روایات استناد کرده است نه به خود روایات؛ بنابراین، او هرگز اعتقاد به تحریف قرآن را به شیعیان نسبت نمی‌دهد.

به این عبارت دقت کنید:

شیعیان‌اند که اعتقاد دارند متن قرآن به‌عمد تحریف شده، تا تمام اشارات آن به حقوق علی و جانشینانش حذف شود. هرچند که در قرون اخیر چنین دیدگاه‌هایی اغلب اظهار نمی‌شوند، اما در قرون اولیه اسلام عمیقاً مورد اعتقاد بودند (Kohlberg & Amir-Moezzi, 2009: vii).

عبارت فوق برداشت محمدعلی امیرمعزی و إتان کلبرگ (Etan Kohlberg) از روایاتی است که احمد بن محمد سیاری در کتاب *التقرآءات* آورده است. گرچه سیاری هیچ‌گاه تصریح نکرده که این روایات بیانگر تحریف قرآن هستند اما این دو شیعه‌پژوه چنین استفاده‌ای کرده‌اند، در حالی که هم روایات فراوانی در نفی تحریف قرآن وجود دارد که با روایات ذکرشده تعارض دارند و نیازمند جمع عقلایی هستند و هم متکلمان برجسته جامعه شیعی، دیدگاهی برخلاف آن دارند و

بررسی روش باوینگرنی با پی‌روشی ویلفرد مادلونگ در مطالعات شیعی

حتی با صراحت تمام، آن را بیان کرده‌اند و نگاه نظام‌مند اقتضا می‌کند که مجموعه این عناصر با یکدیگر دیده شوند و در نهایت گزارشی ارائه شود که بیشترین هماهنگی را با مجموعه داشته باشد.

در چنین مواردی، به صورت طبیعی، خوانندگانی که با موارد نقض‌کننده این گزارش‌ها برخورد می‌کنند به لحاظ ذهنی هنوز مردّد و متحیر باقی می‌مانند و تصور روشنی از موضوع مورد مطالعه به دست نمی‌آورند.

شاید به همین دلیل است که ویلفرد مادلونگ در روش بحث خود نیز دقیقاً روش‌های عقلی و نقلی را از یکدیگر جدا کرده؛ یا منابع فقهی و کلامی را با هم در نمی‌آمیزد. به نظر می‌رسد بتوان دست‌کم یک عامل توجه او به مباحث روشی را نتیجه گستردگی فعالیت‌های او در عرصه‌های گوناگون پژوهشی دانست.

اتان کلبرگ از شیعه‌پژوهانی است که آثار او هم در حوزه شیعه‌شناسی پرتعداد است. اما او، به رغم علمی بودن، هرگز برخی از عرصه‌های اصلی تشیع را - که اتفاقاً از نقاط قوت تشیع به شمار می‌آیند - توصیف نکرده است؛ مثلاً او در باب عقلانیت، معنویت، عدالت و اموری از این دست اثری ندارد. اما درباره موضوعات جنجالی و شبهه‌آفرین صفحات پرشماری را نگاشته است. تحریف قرآن، جایگاه ولدالترنا، تقیه، اصطلاح رافضه، جهاد، اخباری‌گری، جایگاه صحابه از دیدگاه شیعیان، جایگاه غیرامامیان در فقه امامی، بنی‌امیه از دیدگاه شیعیان، برخی از آثار او در حوزه شیعه‌شناسی است.

باید در آموزه‌های اعتقادی به صورت ویژه به این نکته توجه کرد؛ زیرا اعتقادات هستند که باید در یک نظام فکری بگنجند.

۶. استفاده از منابع مستشرقان

متأسفانه یکی از روش‌هایی که امروزه در موضوعات اسلامی، از سوی مستشرقان به صورت معمول استفاده می‌شود ارجاع دادن به منابعی است که دیگر مستشرقان نگاشته‌اند. انگیزه این کار، خواه داشتن تسلط بر زبان عربی باشد، یا در دسترس نبودن منابع و یا هر دلیل دیگری، باید اذعان کرد که دست‌کم در حوزه توصیف اسلام و تشیع و بیان آموزه‌های اسلامی، به لحاظ روشی نمی‌توان این رویه را تأیید کرد. نادرستی این رویه، به ویژه در مباحث کلامی قابل‌فهم‌تر است؛ زیرا در مسائل کلامی، فهم از متون دینی باید بر اساس یک نظام فکری حاصل شود و

فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه قم: سال پانزدهم، شماره چهارم، شماره پیاپی ۶۰ (تابستان ۱۳۹۳)

مجموعه آموزه‌های کلامی باید به صورتی منسجم و پیوسته، توصیف و توضیح داده شوند. در حالی که مستشرقان نمی‌توانند فهم خودشان را معیار و ملاک قرار دهند و به آن ارجاع دهند. در موضوعات تاریخی نیز اگر قصد توصیف و گزارش‌گری دارند باز هم نباید به منابع متأخری ارجاع دهند که به دست خود مستشرقان نوشته شده است. واقعیت آن است که حجم چشم‌گیری از منابع پژوهش‌گران غربی را آثار مستشرقان به خود اختصاص داده است که در سطرهای بعدی نمونه‌هایی از آنها را ذکر می‌کنیم:

ویلیام موتنگمری وات در کتاب *اسلام چیست؟* از حدود ۶۰ منبع استفاده کرده که ۱۲ مورد آن از آثار خودش، چهار مورد از گلدتسیهر، هفت منبع اسلامی و مابقی منابع، از دیگر مستشرقان است.

مدخل‌های مربوط به امامان شیعه در *دائرةالمعارف اسلام* را اسلام‌شناسان و مستشرقان متعددی نگاشته‌اند. خانم لورا وچیا والیری (Vaglieri L. Veccia) در مقاله مربوط به امام علی (ع) ۱۸ منبع را ذکر کرده که فقط سه کتاب از مسلمانان و مابقی منابع، همگی از آثار مستشرقان است (Vaglieri, 1986: vol. 1, p. 386).

مقاله مربوط به امام صادق (ع) را مارشال هاجسون نگاشته و به نُه منبع ارجاع داده است: چهار متن اسلامی و پنج متن غربی (Hodgson, 1991: vol. 2, p. 375). در حالی که مادلونگ در نگارش مقاله دوصفحه‌ای درباره امام جواد (ع) به ۱۱ منبع ارجاع داده است که هیچ کدام از آثار مستشرقان نیست (Madelung, 1993(b), vol. 7, p. 397).

او در کتاب مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه، از ۳۷۱ منبع استفاده کرده که ۲۲۹ منبع آن از منابع اسلامی است. و نیز در کتاب *جانشینی حضرت محمد (ص)* بیش از ۱۲۰ منبع اسلامی را استفاده و فهرست کرده است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱. امروزه دوره جدیدی از شیعه‌شناسی شکل گرفته که می‌توان در آن آثار ارزشمند پژوهشی را مشاهده کرد و دیگر نمی‌توان پذیرفت که لزوماً پژوهش‌گران غربی یا مسیحی، مغرض و جاهل و فریب‌کار هستند. ویلفرد مادلونگ از مستشرقانی است که در ارائه تصویر تشیع به جهان غربی توفیق چشم‌گیری داشته است.

بررسی روش با ویرگنی های پژوهشی ویلفرد مادلونگ در مطالعات شیعی

۲. مادلونگ در مقایسه با دیگر شیعه پژوهان مغرب زمین در استفاده از منابع اسلامی و شیعی و نیز در تفکیک منابع درون گروهی (اسماعیلی، زیدی و امامی) بسیار موفق بوده، کوشیده است توصیف خود را از هر مذهبی مبتنی بر منابع همان مذهب کند.
۳. او علاوه بر اعتبار منابع به تناسب منابع نیز دقت دارد؛ یعنی در مراجعات خود به منابع دقت می کند که مطالب حدیثی را به منابع حدیثی، مطالب کلامی را به منابع کلامی و مطالب تاریخی را به منابع تاریخی ارجاع دهد.
۴. وی در مقایسه با مستشرقان دیگر، در نوشته های خود از منابع فراوان تری استفاده می کند. همچنین برخلاف سایر مستشرقان عمده منابع خود را از آثار خود مستشرقان انتخاب نکرده است.
۵. یکی از عوامل موفقیت وی در توصیف شیعه و تشیع آن است که وی از شخصیت ها و منابع معتبر و اصیل مذاهب گوناگون اسلامی - به خصوص تشیع امامی - به خوبی آگاه است.
۶. وی، دست کم در بعد کلامی، کوشیده است تشیع را در قالب یک نظام معرفتی توضیح دهد و از تمرکز بر جزئیات رهن پرهیزد.

منابع

۱. الخزاز القمی، علی بن محمد (۱۴۰۱). *کفایه الاثر فی النص علی الائمه الاثنی عشر*، قم: بیدار.
۲. صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۵). *کمال الدین و تمام النعمه*، تصحیح: علی اکبر الغفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۳. _____ (۱۴۰۴). *عیون اخبار الرضا، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات*.
۴. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۵۴). *شیعه در اسلام*، مقدمه: سید حسین نصر، تهران: کتابخانه بزرگ اسلامی، چاپ ششم.
۵. کوربان، هنری (۱۴۱۴). *الشیعه الاثنی عشریه*، ترجمه: ذوقان فرقوط، قاهره: مکتبه مدبولی، الطبعة الثانية.
۶. مادلونگ، ویلفرد (۱۳۸۷). *مکتبها و فرقه های اسلامی در سده های میانه*، ترجمه: جواد قاسمی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، چاپ دوم.

فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه قم: سال پانزدهم، شماره چهارم، شاره پیاپی ۶۰ (تابستان ۱۳۹۳)

۷. _____ (۱۳۸۸). *جانشینی حضرت محمد (ص): پژوهشی پیرامون خلافت نخستین*، ترجمه: احمد نمایی، جواد قاسمی، محمدجواد مهدوی و حیدررضا ضابط، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ چهارم.

۸. ولهاوزن، یولیوس (۱۳۷۵). *تاریخ سیاسی صدر اسلام؛ شیعه و خوارج*، ترجمه: محمودرضا افتخارزاده، قم: دفتر نشر معارف اسلامی.

9. Anawati, Georges (1995). "IṢMAH", *The Encyclopedia of Religion*, ed. Mircea Eliade, vol. 7, p. 465, New York: Macmillan.
10. Chittick, William (1987). *The Psalms of Islam Al-ṢṢaḥīfat Al-Sajjadiyya*, translated with an introduction and annotation, Qum: Ansarian.
11. Clarke, Linda (2001). *Shi'ite Heritage*, Editor and translator, Linda Clarke, New York: Global Publication.
12. _____ (2005). "IṢMAH", *The Encyclopedia of Religion*, ed. L. Jones, New York: Macmillan.
13. Goldziher, Ignaz (1981). *Introduction to Islamic Theology and Law*, translated by Andras and Ruth Hamori, Princeton, Princeton University Press.
14. Hodgson, G. S. Marshal (1991). "DJA FAR AL-ṢĀDIK", *The Encyclopaedia of Islam*, 2nd edition, vol. 2, Leiden: Brill.
15. Kohlberg, Etan (1993). "Muhammad B. 'Ali (AL-BAKIR)", *The Encyclopaedia of Islam*, 2nd edition, vol. 7, Pp. 397-400, Leiden: Brill.
16. Kohlberg, Etan; Mohammad Ali Amir-Moezzi (2009). *Revelation and Falsification, The Kitāb al-qirā'āt of Ahmad b. Muhammad al-Sayyārī*, Leiden, Brill.
17. Madelung, Wilferd (1976). "The sources of Isma'ili law" *Journal of Near Eastern Studies*, vol. 35, pp. 29-40.
18. _____ (1986 (a)). "AL-KULAYNĪ", *The Encyclopaedia of Islam*, 2nd edition vol. 5, Pp. 362-363, Leiden: Brill.
19. _____ (1986 (b)). "HISHĀM B. AL-ḤAKAM", *The Encyclopaedia of Islam*, 2nd edition, vol. 3, Leiden: Brill.
20. _____ (1986 (c)). "IMĀMA", *The Encyclopaedia of Islam*, 2nd edition, vol. 3, Leiden: Brill.
21. _____ (1989). "The Hāshimīyyāt of al-Kumayt and Hāshimī Shi'ism", *Studia Islamica*, No. 70, pp. 5-26.
22. _____ (1991). "MAYMŪN B. AL-ASWAD AL-ḲADDAḤ", *The Encyclopaedia of Islam*, 2nd edition, vol. 6, P. 917, Leiden: Brill.
23. _____ (1993 (a)). "AL-MUFĪD", *The Encyclopaedia of Islam*, 2nd edition, vol. 7, Pp. 312-313, Leiden: Brill.
24. _____ (1993 (b)). "MUḤAMMAD B. 'ALĪ AL-RIDĀ", *The Encyclopaedia of Islam*, 2nd edition vol. 7, Leiden: Brill.
25. _____ (1993 (c)). "Muhammad B. 'Ali (AL-BAKIR)", *The Encyclopaedia of Islam*, 2nd edition, vol. 7, Pp. 397-400, Leiden: Brill.
26. _____ (1995). "IMAMATE", *Encyclopedia of Religion*, 2nd ed. Jones Lindsay, vol. 7, pp.114-119, Detroit: Macmillan Reference.
27. _____ (1997 (A)). "AL-KARAKĪ", *The Encyclopaedia of Islam*, 2nd edition vol. 4, P. 610, Leiden: Brill.
28. _____ (1997, (b)). "IṢMA", *The Encyclopaedia of Islam*, 2nd edition, vol. 4, Leiden: Brill.

29. _____ (1997 (c)). "KASHSHI", *The Encyclopaedia of Islam*, 2nd edition vol. 4, P. 711, Leiden: Brill.
30. _____ (1997 (d)), "SHĪ'A", *The Encyclopaedia of Islam*, 2nd edition, vol. 9, Leiden: Brill.
31. Momen, Moojan (1985). *An Introduction to Shi'i Islam*, Oxford: Oxford University Press.
32. Morris, James Winston (1995). "TAQIYAH", *The Encyclopedia of Religion*, ed. Mircea Eliade, New York: Macmillan.
33. Pinault, David (1968). *What Is Islam?*, London: Longmans.
34. _____ (1992). *The Shiites*, New York: St. Martin's Press.
35. Schmidtke, Sabine (2001). "an Interview", *Shi'a Studies*, no. 1, April-June.
36. Vaglieri, L. Veccia (1986). "'ALĪ B. ABĪTĀLIB", *The Encyclopaedia of Islam*, 2nd edition, vol. 1, Leiden: Brill.
37. Watt, William Montgomery (1999). *Islam; A Short History*, Oxford: one world.

پی‌نوشت‌ها:

۱. برای نمونه، زابینه اش‌میتکه (Sabine Schmidtke) متخصص اندیشه‌های کلامی علامه حلی، مارتین مک‌درموت (Martin McDermott) متخصص اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، نجلا ابو عزالدین متخصص فرقه دروزیه، سید حسین مدرسی طباطبایی متخصص کلام و تاریخ دوره نخستین و نیز فقه شیعه، از شاگردان او هستند.
۲. کرسی Laudian عالی‌ترین کرسی اسلام‌شناسی در انگلستان و یکی از مهم‌ترین کرسی‌ها از نوع خود در جهان است که تدریس عربی در سطح عالی نیز جزء شرایط این کرسی به شمار می‌آید.
۳. این کتاب با عنوان **جانشینی** حضرت محمد (ص)، پژوهشی پیرامون خلافت نخستین در ایران ترجمه و چندین بار منتشر شده و در ۱۳۷۷ از وزارت فرهنگ و ارشاد جمهوری اسلامی ایران در ششمین دوره گزینش کتاب برگزیده جهانی، جایزه بهترین کتاب را دریافت کرده است.
۴. این کتاب با عنوان **مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه** در ایران ترجمه و منتشر شده است.
۵. این کتاب با عنوان **فرقه‌های اسلامی در ایران** ترجمه و منتشر شده است.
6. "The Hāshimīyyāt of al-Kumayt and Hāshimī Shī'ism"
7. "Shī'ism in the Age of the Rightly-Guided Calipfs"
۸. بنابراین، در این نوشتار به دیدگاه‌های تاریخی، کلامی، فقهی و ... ویلفرد مادلونگ پرداخته نمی‌شود.
۹. از آن رو که سخن از منابع شیعی و سنی است، بنابراین اشکالی ندارد اگر از منابع اسماعیلی یا زیدی نیز یاد شود.
10. *Introduction to Islamic Theology and Law*.
11. *The Encyclopedia of Religion*.
12. "The sources of Isma'ili law".
۱۳. «ملاحظات پیرامون کتاب شناسی فرق امامی»، ترجمه چنگیز پهلوان، در: *زمینه ایران‌شناسی*، ۱۳۶۸، ص ۵۶-۷۵.
14. *An Introduction to Shi'i Islam*.
15. *Revelation and Falsification*.
16. *Islam; A Short History*.
17. *What Is Islam?*
۱۸. هانری کربن (Henry Corbin) استاد شیعه‌شناسی دانشگاه سوربن فرانسه بوده است.

